

تحلیل کارکرد ساخت آوایی سوره محمد (ص) در القای معنا

منیر زیبایی^۱
سید حسین سیدی^۲

چکیده

بدون شک یکی از عواملی که الهی و فرابشری بودن قرآن را اثبات نموده ساختار آوایی آن است که باعث جلوه‌گری قرآن در یک شکل ادبی کاملاً منسجم و به هم پیوسته گشته و به شکلی اعجاز‌گونه به فهم معانی عمیق آن کمک نموده است. مقاله حاضر درصدد است تا ساختار آوایی سوره محمد (ص) را به روش توصیفی - تحلیلی واکاوی نموده و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- کدام عناصر آوایی در القای مضمون سوره محمد (ص) و پیام‌رسانی آیات آن نقش آفرینی می‌کنند؟
 - ۲- چه تناسبی میان ساختار آوا و معانی در این سوره وجود دارد؟
 - ۳- ارتباط میان مخارج و صفات حروف با مضمون آیات چگونه قابل تبیین است؟
- یافته‌های پژوهش در سطح آوایی سوره محمد (ص) از یک نوع هماهنگی و توازن بین لفظ و معنا خبر می‌دهد؛ تصاویری که در قالب الفاظ ارائه شده با چیدمان، گزینش و تکرار آوایی خاص و با به کارگیری عناصر تأثیرگذار بر ریتم کلام چنان آگاهانه مهندسی شده که خود حامل تمام یا بخشی از معنای آیات است. صنایع بدیعی نیز که ارتباط تنگاتنگی با ایقاع و موسیقی آیات دارد، جایگاه والایی را در انتقال مفاهیم این سوره به خود اختصاص داده است. در حقیقت تبیین دانش ساختار آوایی و کاربرد انواع عناصر آوایی و ارتباط آن با معنا در سوره محمد گواه آن است که نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن در تصویرگری حال کافران و منافقان و تبیین کیفرشان نقش مهمی دارد.

کلیدواژه‌ها: ساختار آوا، سوره محمد، مضمون سوره

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۳

mo_zi4394@yahoo.com

۱- نویسنده مسئول: دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

seyedi@um.ac.ir

۲- استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

«این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی و تحت حمایت مالی بنیاد ملی نخبگان (National Elites Foundation) است.»

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

پیشرفت علم زبان‌شناسی، بویژه آواشناسی و معناشناسی نکات جدیدی از ساخت زبانی و تبیین معنایی قرآن به دست می‌دهد. از این‌رو امروزه پژوهش‌های آواشناسی - معنایی یکی از محورهای اساسی در بررسی هر متن ادبیمحسوب می‌شود. (الرافعی، ۱۹۹۷: ۱۶۹) یکی از منظرهای جالب توجه در قرآن، جلوه‌های هنری و تصویرسازی مفاهیم است که به لحاظ زیبایی‌شناختی بسیار قابل مطالعه است. قرآن برای ترسیم مفاهیم گوناگون، حقایق، حالات و روحيات انسان‌ها، و امور غیبی از تمهیدات بلاغی و هنری خاصی بهره می‌گیرد. این تصویرگری و القای مفاهیم گاهی با حروف، گاهی با واژه، گاه با آوا، و یا از طریق لحن و ریتم کلام صورت می‌گیرد.

آوا به عنوان کوچک‌ترین واحد سازنده زبان عبارت از صوتی است که بر اثر خروج هوا از شش‌ها و برخورد آن با اندام‌های گویایی حادث می‌شود. (نجفی، ۱۳۷۸: ۴۹) به تعبیر دیگر، صوت یا آوا حاصل خروج هوای فشرده شده در اثر سایش یا فشار دو جسم است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۲۸) در بحث آواها آنچه برای ما در این مقاله حائز اهمیت است، کاربرد آنهاست. اصولاً می‌بایست هدف اصلی بررسی و مطالعه آواها را درک ماهیت معنایی آنها و تبیین نقشی دانست که آواها در القای معانی مندرج در هر زبانی دارند، زیرا زبان‌شناسان بر این باورند که «هر آوایی علاوه بر اینکه از مؤلفه‌های خاص زیبایی‌شناسی برخوردار است، هر کدام معنا و دلالت خاصی را نیز القا می‌کند، مثلاً صداهای مجهور بر شدت و قدرت، و صداهای مهموس بر معانی آرامش و امنیت دلالت دارند.» (مطر، ۱۹۹۸: ۴۷) بنابراین آوای حروف و کلمات در بررسی هر متن ادبی حائز اهمیت بوده، نخستین کلید فهم آن و دیباچه‌ای به شمار می‌رود که مخاطب و خواننده را مجذوب خود می‌کند.

آواها در قرآن کریم علاوه بر القای معانی موردنظر، ایقاع ویژه‌ای را هنگام قرائت به مخاطب منتقل می‌کنند. چنین کارکردی تأثیری ویژه از خود بر قلب و جان انسان می‌گذارد و باعث می‌شود تمام توجهات، به معانی موردنظر جلب شود. به همین دلیل، بسیاری بر این باورند که آواها، یکی از وجوه اعجاز لفظی قرآن کریم هستند. (التحریشی، ۲۰۰۰: ۲۶) این مقاله برآن است تا با تحلیل ساختاری سوره محمد از بعد آوایی به بررسی آوای درونی و بیرونی آیات و ارتباط آن با مفاهیم مطرح شده در آنها بپردازد و یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن را بیش از پیش نمایان سازد.

۲-۱. پیشینه و ضرورت پژوهش

در مورد مطالعه آوایی سوره محمد و بررسی کارکرد و نقش ساختار آوایی این سوره در القای معانی مورد نظر تاکنون پژوهشی انجام نشده و بیشتر پژوهشگران از زوایای دیگر این سوره را بررسی و تحلیل کرده‌اند، از جمله می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد «پیوستگی آیات سوره قتال» از زهرا نیک‌پور اشاره نمود که در سال ۹۲ در دانشگاه الزهرا دفاع شده است. نویسنده در این رساله‌مبنای معیارهای درون‌متنی سوره محمد (ص) مانند سیاق‌های موجود در سوره و آغاز و انجام آن، و با تکیه بر معیارهای بیرون‌متنی مانند شأن نزول سوره به بررسی و شناخت پیوستگی و مناسبت آیات این سوره پرداخته است. پژوهش دیگر پایان‌نامه کارشناسی ارشد «نقد و بررسی ساختار هندسی سوره‌های قرآن با محوریت سوره محمد (ص)» از فهیمه گرجی، دانشگاه آزاد واحد تهران است که نظریه ساختار هندسی سوره‌ها را از منظر تأویل مورد توجه قرار داده و به طور موردی سوره محمد را بررسی نموده و نشان می‌دهد که آنچه توسط اهل بیت در روایت «آیه فینا و آیه فی عدونا» به عنوان هدف سوره ترسیم شده‌در آیات آن تحقق یافته است. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد ضرورت نگارش مقاله‌ای که به آشناسی سوره محمد (ص) بپردازد احساس می‌شود؛ امری که مقاله حاضر آن را وجهه همت خود ساخته و از این بابت در نوع خود جدید است.

۲. سیمای سوره محمد (ص)

سوره محمد مدنی و دارای ۳۸ آیه است. مفسران سه نام‌گذاری برای این سوره لحاظ کرده‌اند: سوره محمد، سوره قتال، و سوره «الذین کفروا» که مشهورترین آن «سوره محمد» است. (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲۶: ۷۱) این سوره به این جهت که نام محمد (ص) در آن ذکر شده و مخاطبش در همه محاوره‌ها و ضمائر، وجود مقدس پیامبر (ص) است به نام «سوره محمد» نام‌گذاری شده است. اما وجه تسمیه‌اش به قتال به این دلیل است که در این سوره از نبرد یاد شده و مشروعیت این امر در آن ذکر گردیده، و به منزله جنگ و مبارزه علیه کسانی است که از اطاعت پیامبر روگرداندند. «الذین کفروا» نامیده شده چون این سوره با همین عبارت آغاز شده و مؤمنان را به مبارزه علیه کافران و مشرکان تشویق می‌کند. لذا دو محور «کفر» و «ایمان» از مضامین اصلی و برجسته این سوره محسوب می‌شود. به طور کلی محورها و معانی موجود در این سوره را به صورت زیر می‌توان خلاصه نمود:

۱- توصیف کافران و مؤمنان: آیه (۴-۱)

۲- جزای دو گروه در دنیا و آخرت از جمله خواری و پیروزی، و جهنم و بهشت: آیه (۲۱-۵)

۳- وعده به مؤمنان و تهدید منافقان و مرتدین: آیه (۳۸-۲۱)

این سوره با بیان حقیقت کافران و مؤمنان در قالب هجومی ادبی به کافران و ستایش مؤمنان آغاز شده، و دو عامل کفر به خدا و رویگردانی از راه او را به عنوان علت ذلت و خواری، و بطلان عمل کافران معرفی می‌کند. سپس درباره کفر و ایمان، و حال کافران و مؤمنان در دنیا و آخرت سخن گفته، و به تفاوت بارز میان مؤمنان در گرایش به طبیات و کافران در گرایش به لذائذ دنیوی اشاره می‌کند.

۳. ساختار آوایی سوره محمد و ارتباط آن با معنا

رابطه بین آوا و معنا در نظام قرآنی، رابطه‌ای اعجازگونه است. بررسی بلاغت قرآن کریم در این راستا به ما نشان می‌دهد که اسلوب قرآن بر آن است تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های معنای موجود در آواها، قبل از آنکه عقل معنا را دریابد موسیقی، تمام حواس مخاطب را متوجه معنا نماید. این کارکرد اعجازگونه آواها در قرآن به شیوه‌های متعدد و متنوع رخ می‌نماید که در تحلیل آوایی سوره‌ها مورد توجه است. این قالب‌ها در شکل انواع تکرار، هم‌حروفی و هم‌آوایی واژگان، مخارج و صفات حروف، فواصل آیات، ریتم و لحن کلام، صنایع لفظی مانند سجع و جناس، انواع بدیع، و... تبلور یافته که در بررسی ساختار آوایی سوره محمد (ص) به برخی به طور مستقل خواهیم پرداخت و برخی دیگر را در ضمن دیگر شاخص‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۳-۱. لحن و ریتم در سوره محمد

در کلام‌های گفتاری به کیفیت تلفظ و خصوصیت گفتاری لحن کلام گفته می‌شود. این شاخصه در محاورات عرفی از قرائن کلام است و در تعیین باطن کلام و مقصود گوینده آن تأثیر بسزایی دارد. اهمیت این امر تا جایی است که آیه ۳۰ سوره محمد نیز به این اصل مهم اشاره نموده و یکی از راه‌های شناخت مخاطب و افکار و نیت واقعی او را توجه به لحن و شیوه سخن گفتن او دانسته و می‌فرماید: «وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ وَكَتَبْنَاؤُكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبَلَّوْا خَبَارَكُمْ».

بنابراین برای دستیابی به مفاد کلام لازم است لحن گوینده آواز طریق ریتم کلام، شناسایی و از آن به عنوان قرینه لفظی در فهم متن استفاده گردد. در کلام‌های مکتوب، «مجموع دلالت‌های آوایی که از طریق متغیرهای آوایی همچون: واکه‌ها و مله، همخوان و نحوه چینش و ترکیب حروف، تقطیع، تقدیم و تأخیر حروف و الفاظ، ابدال و ادغام، و... در یک متن ایجاد می‌شوند، ریتم کلام را می‌سازند.» (رجبی،

قرآن اگرچه سرشار از انواع ریتم‌ها و لحن‌هاست و از آنها به عنوان ابزاری برای فهم و انتقال معنا و تأثیر بهتر در مخاطب بهره برده است، اما به طوری که می‌توان آنها را در چهار دسته ریتم نرم، کوبنده، کند و سریع تقسیم‌بندی نمود.

۳-۱-۱. ریتم نرم

این ریتم عموماً در مورد دعا و راز و نیاز بشر با خالق، یا موقع ابراز محبت و ستایش، و یا به هنگام پند و اندرز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این نوع ریتم فراوانی واژه‌های کشیده، مدّ لاین، همخوان‌های نرم و آرام، پیوستگی آوایی و صنایع لفظی همچون جناس به وفور مشاهده می‌شود. ریتم نرم در سوره محمد در آیات زیر به کار رفته است:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (۲) فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرُ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَمُتَوَكِّمًا (۱۹)

در این آیات که در توصیف حال مؤمنان و بیان پاداش و سعادت صالحان و نیکوکاران آمده، کاربرد پیاپیواژه‌های کشیده الف، واو و یاء، و مدّ لاین در کلمات «الَّذِينَ»، «آمَنُوا»، «عَمِلُوا»، «الصَّالِحَاتِ»، «مَا»، «سَيِّئَاتِهِمْ»، «بَالَهُمْ»، «لَا»، «إِلَّا»، «لِلْمُؤْمِنِينَ»، «الْمُؤْمِنَاتِ»، «اللَّهُ»، و «مُتَوَكِّمًا» و نیز استفاده از همخوان‌های نرم و غیر انفجاری مانند نون، میم، واو و یاء که سبب به نرمی ادا شدن واژگان مربوطه می‌شود، سرعت متن را آرام و نرم نموده و نوعی احساس آرامش را به مخاطب منتقل می‌کند.

آیات چهار تا هفت این سوره نمونه‌های دیگری هستند که ریتم نرم در آنها به خوبی بیانگر معنای ایراد شده در این آیات است: «وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (۴) سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ (۵) وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ (۶) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (۷)» این آیات در بیان حال مؤمنان و مجاهدان راه حق است که خداوند وعده نصرت به آنان داده، و مقام و پاداش کسانی از آنها که در این راه کشته شوند را تبیین می‌کند. صامت‌ها و مصوت‌هایی که در واژگان این آیات به کار رفته نیز القاکننده چنین مضمونی هستند و چنان آوای دلنشین و سبکی به آیات بخشیده‌اند که اگر کسی با محتوای این آیات هم‌آشنا نباشد از ریتم آنها در می‌یابد که لحن آیات در حال تمجید و تکریم است. به طور مثال همخوان فاء در واژه «عَرَفَ» (حرفی مهموس است و ضعف و سستی به معنای کلمه می‌دهد.) (عباس، ۱۹۹۸: ۱۳۲) این خاصیت فاء با فضای آرامشی که در هنگام سخن گفتن از جایگاه شهیدان در آخرت بر آیه حکم فرماست کاملاً هماهنگی دارد.

در آیه ۷، تکرار حروف نون، صاد، و راء در مشتقات «نصر» موسیقی زیبایی را ایجاد کرده که سهم صوت نون بیشتر است. تلفظ هم‌خوان نون بویژه هنگامی که ساکن دارد با مکث و درنگ بیشتری همراه است. این ویژگی نون که ضمن نشان دادن عمق معنا، بر سکون و آرامش نیز دلالت دارد در کنار موسیقی حاصل از هم‌آوایی واژگان، هماهنگ با مفاد آیه بر این معنا تأکید دارد که خداوند تضمین فرموده که در صورتی که بندگان صالح او برای اعتلای حق در راه خدا جهاد کنند، او حامی و پشتیبان آنان است و اسباب غلبه بر دشمن را برایشان فراهم نموده و وعده نصرتشان را محقق می‌سازد.

بدیهی است لحنی که برای بیان وعده و نصرت الهی به کار می‌رود، می‌بایست لحنی نرم و توأم با طمأنینه باشد. با توجه به این امر علاوه بر کاربرد عناصر آوایی گفته شده در بالا، هم‌جواری حرف تاء و تاء در واژه «يُتَّبَتُّ» عامل دیگری است که در همین راستا سهمی در ایجاد ریتم نرم آیه دارد؛ «صفت همس و رخوت در حرف تاء و دلالت آن بر معنای لطافت و گرمی»، (بشر، ۲۰۰۰: ۲۹۸) به کمک نرمی و رقت موجود در صوت تاء که تصویرگر آرامش ناشی از فضای تقویت دلها و دل‌گرمی بنده مؤمن نسبت به یاری خدا است در نرمی ریتم آیه نقش‌آفرینی می‌کند. به خصوص که «کاربرد فعل مضارع در سیاق شرط که بر استمرار و تجدد دلالت دارد و احتمال تکرار را می‌رساند» (السامرائی، ۲۰۰۰، ج ۴: ۵۷) با تأکید بر استمرار امداد الهی جو آرامش حاکم بر آیه و ریتم نرم آن را تقویت می‌کند.

اگر آیه ۱۲ را به دو بخش تقسیم کنیم، می‌توان بخش نخست آن را نمونه‌ای دیگر از آیاتی بدانیم که با لحن نرم و دلنشینی به توصیف بهشت و برخورداری مؤمنان و صالحان پرداخته‌طوری که هر کس با شنیدن آن مشتاق تجربه نعمت‌های بهشتی می‌شود: *إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ، وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَنَّوْنَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ.*

یکی از مدلول‌های حرف نون دلالت آن بر معنای رقت، لطافت، و زیندگی است. (عباس، ۱۹۹۸: ۱۶۳) آرامش فضای گفتگوی پروردگار با بندگان با ایمان با تکیه بر این خصوصیت در بخش نخست آیه ۱۲ تداعی شده است. نرمی و سهولت تلفظ حروف لام، میم، و نون، همچنین تکرار هم‌خوان نرم تاء باعث شده تا کلام الهی در دل بنشیند. این جو آرامش و سکون با اصوات مدّ ظهور بیشتری می‌یابد. تکرار صوت الف علاوه بر ایجاد ایقاع، امتداد و کثرت الطاف الهی را نشان می‌دهد، و به طور ضمنی در قالب اندرز بر لزوم دقت و تأمل در آثار مترتب بر ایمان دلالت دارد. در اینجا واژه‌های بلندی که تقریباً در تمام واژگان این بخش به کار رفته‌اند با ایجاد فضای سکون و آرامش جوئی متناسب با درنگ و تأمل خلق می‌کنند.

در کنار نشانه‌های آوایی یاد شده، کاربرد فراوان صفت غَنَه در دو حرف میم و نون که معنای درنگ و ژرف‌نگری را می‌رساند، نیز استفاده زیاد از سکون و همزه که با قطع نفس همراه است و به دلیل ایجاد مکث در کلام سبب گرفته شدن سرعت قرائت متن می‌شوند، همگیدر خدمت‌القای معنای آیه ایفای نقش می‌کنند تا ما شاهد ریتمی کند از بخش نخست آیه باشیم.

همان‌طور که پیشتر گفته شد این آیه به طور ضمنی درصدد تشویق و دعوت به ایمان و عمل صالح است و با برشمردن نتایج مترتب بر کفر و بی‌ایمانی در بخش دوم آیه، «از شخص عاقل متدین می‌خواهد تا در دنیا مانند بهائم همت خود را بر خوردن و آشامیدن مصروف ندارد، بلکه تمام فواید جسمانی و تقویت قوای نفسانی را ابزاری برای انجام طاعات الهی و مقدمه‌ای برای تأیید کمالات روحانی و درک فیوضات الهی قرار دهد. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۱۱۰) بر این اساس شاید بتوان گفت که متکلم، مطالب این بخش را آهسته و به تفصیل بیان کرده تا مخاطب با دقت و تأمل بیشتر پیام و دستورالعمل موجود در آن را دریابد و به آن عمل کند.

۳-۱-۲. ریتم کند و منقطع

یکی دیگر از ریتم‌های مورد استفاده در آیات قرآن ریتم آهسته یا کند است که عموماً در کلامی به کار می‌رود که لحنی آهسته و منقطع دارد. این ریتم در پاره‌ای از اوقات ممکن است حامل معنایی کنایی و طعنه‌آمیز، و یا نشان دهنده اهمیت موضوع باشد که در این صورت کندی و آهستگی در ریتم موجب صلابت در سخن می‌شود، مانند بخش دوم آیه ۱۲ که پیش‌تر بدان پرداخته شد یا مثل آیه ۱۵:

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ.

در این آیه وجود واکه‌های کشیده که تقریباً ۱۸ بار تکرار شده سرعت قرائت کلام را پایین آورده و سبب شده که ریتم آیه به شکل تند ادانشود. گویی به کارگیری مصوت‌های بلند واو، یاء، و به شکل غالب کاربرد الف مدی که با کشش صوت، عاقبت کار مؤمنان و کافران را قابل فهم‌تر می‌کند، سبب ایجاد ابهت و صلابت خاصی گردیده که نشان از قدرت متکلم در انجام هر امری دارد. این صلابت در لحن، مخاطب را دعوت به تأمل و ژرف‌نگری می‌کند و مکث و درنگ را به دنبال دارد. در حقیقت استفاده از این لحن، گوشه و کنایه‌ای به کافران و منافقان و حامل اندرز به آنهاست. گویی با توصیف بهشتی که به متقیان وعده داده شده و با تبیین نعمت‌های بهشتی و مقایسه آن با فرجام کافران قصد

تفهیم این نکته بهمخاطب را دارد که تا دیر نشده باید ایمان آورده و از کفر خود دست بردارد، و «مجاب گردد که دار نعیم را بر دار جحیم اختیار نماید.» (همان: ۱۱۳) و این امر تنها با بیانی آهسته و ریتمی کند صورت می‌گیرد که در پایان هر فقره منقطع شده و با آغاز فقره بعدی، ریتم دوباره از سر گرفته می‌شود.

۳-۱-۳. ریتم سریع

دقت در ریتم آیات سوره‌های مختلف، نشان می‌دهد که آیاتی که بهقیامت و یا حوادث قبل از آن می‌پردازند یا به دنبال سرعت در امر یا دستوری فوری و حتی در پاره‌ای از موارد تحقیر و یا بیان هیجان هستند، با این ریتم می‌آیند. نمونه چنین ریتمی را در آیه ۳۴ سوره محمد می‌بینیم: (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ)

واکه‌های کوتاه پی در پی و کاربرد اندک واکه‌های بلند سبب شده تا ریتم این آیه تند و سریع گردد. استفاده اندک از سکون، کاربرد همخوان‌ها با مخرج نزدیک، کوتاهی نسبیب‌یهکه سبب به کار بردن آوای کمتر می‌شود، حکایت از این نوع ریتم و لحن دارد. ریتم تند در این آیه بیانگر بی‌حاصلی کفر و محرومیت کافران و منافقان از لطف و رحمت الهی است طوری که اگر در حال کفر بمیرند هرگز بخشوده نخواهند شد.

۳-۱-۴. ریتم کوبنده

یکی دیگر از انواع ریتم‌هایی که در سوره محمد مورد استفاده قرار گرفته، ریتم کوبنده است. عموماً از این ریتم برای نشان دادن تهدید، توییح، و یا شدت در عمل استفاده می‌شود. کاربرد همخوان‌های انفجاری و سنگین، استفاده زیاد از تشدید و به کارگیری واکه‌های کوتاه سبب ایجاد چنین ریتمی می‌گردد، مانند آیه ۴:

فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَحَتْهُمُ فَسُدُّوا أَلْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَكُلُوْا يَسَاءَ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ... (۴) مفاد این آیه دربردارنده یک دستور مهم جنگی است و در آن به سنت خدا بر ابطال باطل و حکم جهاد با کافران، و قاطعیت در میدان نبرد اشاره، و مسائل مختلف مربوط به آن مطرح شده است. ریتم آیه در بیان این مضامین کاملاً گویا و متناسب است. چیزی که با نگاهی کلی به آیه معلوم می‌شود تعداد مصوت‌های کوتاه به کار رفته در قیاس با واکه‌های بلند به مراتب بیشتر است. صامت‌های سنگین و انفجاری مثل «باء،

تاء، دال، ضاد، کاف، قاف، و همزه که در نتیجه حبس هوا در خارج از ریه‌ها، هنگام تلفظ به صورت دفعی ادا می‌شوند و الفاکنده معنای قوت، خشونت، و سنگینی‌اند تکرار شده‌اند و تأثیری شدید بر گوش شنونده دارند.» (داود، ۲۰۰۲: ۷۶)

صوت مجهوره زاء در «أوزارها» و ذال در برخی واژگان آیه، حدت و خشونت را نشان می‌دهد. در کلمه «ضرب الرقاب» کاربرد حروف ضاد و قاف که دارای خصوصیت تفخیم هستند و پر و درشت تلفظ می‌شوند، در کنار حرف باء که به خاطر صفت جهر واضح و قوی ادا می‌شود، به علاوه حرف راء که بیانگر حرکت است، و وجود صفت لین در صوت الف که بر وضوح و آشکاری معنا می‌افزاید، همگی به خوبی تداعی کننده ضربات سخت و کوبنده است و حکم قطعی کشتن و در هم کوبیدن کافران در میدان جنگ را می‌رساند.

در واژه «أَتَّخِثْتُمُوهُمْ» حرف خاء که آخرین حرف حلقی و دارای ویژگی شدت است با هم‌نشینی با حرف تاء انفجاری و صوت میم که در اثر فشردن کامل لب‌ها روی هم و سپس باز کردن آن‌ها تولید می‌شود و القاگر نوعی استحکام، فشردگی و قدرت است، روی هم رفته آوای برآمده از این حروف، مفهوم قاطعیت و سرسختی در نبرد با اهل کفر را به تصویر می‌کشد و با معنای بسیار کشتن و غلبه بر دشمنان تناسب دارد.

یا مانند آیات ۱۰-۸: وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ (۸) ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۹) أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أُمُتَالَهَا (۱۰)

لحن این آیات به قدری تند و کوبنده و همراه با تهدید است که با شنیدن آن، ترس وجود مخاطب را فرا می‌گیرد. این لحن کوبنده در ترکیب «تَعَسَا لَهُمْ» خود را در قالب نفرین کافران نشان می‌دهد. این ترکیب، وجود صوت انفجاری تاء در کنار «حرف عین با خصوصیت شدت و قلقله» (انیس، بی- تا: ۲۵)، و صدای صغیر در سین با دلالت معنایی قوت و شدت، و نیز ادغام تنوین (نون ساکن) در حرف لام، در شدت و کوبندگی لحن مؤثر است. در کلمه «أُضِلَّ» این وظیفه بر دوش آوای شدید و انفجاری همزه، در کنار صفت تفخیم در ضاد و هم‌نشینی آن با لام مشدد است. خصوصیت شدت در حرف دال، تشدید و غنّه در میم، و صفت جنبش و تکرار در واژه «دَمَّرَ» ویژگی قوت و شدت را تقویت می‌کند. استفاده کمتر از مصوت‌های کشیده به ادای واژگان سرعت بخشیده و موجب هم‌خوانی ریتم و ضرباهنگ این آیات با معنا و فضای آنها شده است. در واژه «أَحْبَطَ» خشونت و گرفتگی در

ادای حرف حلقی حاء به همراه استعلا و تفخیم در طاء، به علاوه سنگینی آوای همزه و باء، همسو با ریتم شدید این آیات بر کوبندگی لحن می‌افزاید و با سنت باطل ستیزی خداوند در این آیات و مضمون تهدید هماهنگ می‌شود.

یا در آیات ۲۹-۲۲ که به شقاوت و نگون‌سازی کافران و منافقان، و انواع عذاب‌های آنان اشاره دارد، شاهد لحن کوبنده و عتاب‌آمیز آیات هستیم: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ (۲۲) أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ (۲۳) أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (۲۴) إِنْ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ (۲۵) ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنَطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأُمْرِ وَاللَّهُ يُعَلِّمُ إِسْرَارَهُمْ (۲۶) فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ (۲۷) ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۲۸) أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ (۲۹)

خطاب در این آیات به کسانی است که از رفتن به جهاد در راه خدا بهانه‌جویی می‌کردند؛ در آیه ۲۲ خداوند بدین جهت خطاب خود را مستقیماً متوجه آنان نموده تا تأثیر کلام را بیشتر و توبیخ و سرزنش آنها را شدیدتر کند، و اینکه کلام را در قالب استفهام‌تقریری بیان داشته، برای آن است تا بفرماید که شما واقعا چنین هستید که با اعراض از جهاد، دست به فساد در زمین می‌زنید و با قتل و غارت و هتک آبروی مردم و به علت تکالب بر سر جیفه دنیا قطع رحم می‌کنید و توقع همه این انحراف‌ها از شما می‌رود.

در این آیات، دلالت آوایی مجموعه‌ای از حروف از قبیل: شدت و قلقله در حرف عین، غین و قاف، کثرت تشدید و دلالت آن بر شدت و کوبندگی، حرف کوبشی دال، دلالت حرف راء بر حرکت و تکرار، صوت صغیری سین، تفخیم و پر و درشت تلفظ شدن حرف صاد، طاء و لام، تکرار «حروف انفجاری ضاد، باء، تاء، طاء، قاف، عین، و جیم» (البه‌نساوی، ۲۰۰۴: ۵۲)، صفت استعلا، اصمات، اطباق و جهر در حرف قاف و دلالت آن بر عظمت و قوت، حرف حلقی احتکاکی خاء با صفت استعلا و دلالت آن بر شدت و قوت، همگی در کنار یکدیگر باعث تندى و خشونت لحن کلام شده و بدین ترتیب مضمون تهدید و توبیخ این آیات از طریق الفاظ کوبنده و آوای شدید و پر سر و صدای حروف آنها در ریتم تبلور یافته است.

با بررسی انواع ریتم در آیات این سوره این نکته به دست می‌آید که آهنگ و آوای آیاتی که به ذکر اوصاف کافران و تبیین عقاب آنان پرداخته‌اند با آوای مربوط به وصف مؤمنان و بیان احوال آنها در

دنيا و آخرت با هم تفاوت‌های چشمگیری دارد. آیاتی که تداعی کننده تهدید و عذاب الهی است با لحنی کوبنده، سنگین، و درشت بیان شده و این لحن به گونه‌ای غالب در این سوره به کار رفته و پیوند لفظ و ساختار آیات با معنا را به خوبی نشان می‌دهد.

۳-۲. فاصله در سوره محمد

یکی از عواملی که در بررسی ساختار آوایی متن قرآن مطرح است، بحث فواصل آیات و نقش آن در یکپارچه سازی متن و انتقال مفاهیم است. فاصله دارای اثر صوتی خاصی است و ضمن آنکه در آفرینش نظم آهنگ آیات نقش اساسی دارد و باعث آراستن کلام و ایجاد توازن در آن می‌شود، طیفی از معانی و خیال و عواطف را عرضه می‌دارد؛ «فاصله قرآنی مثل قافیه شعر است ولی فاصله برخلاف قافیه، سرشار از معنا و آهنگ و حرکت است.» (بدوی، ۱۹۹۶: ۸۹) یا در تعریفی دیگر، «فواصل حروف هم‌شکل در مقاطع کلام هستند که زمینه درک معانی را فراهم می‌آورند.» (الرمانی، ۱۹۶۸: ۹۷) بنابراین آنچه در بحث فواصل نقش اصلی را دارد معناست نه لفظ تنها. «فواصل قرآن صرفاً یک هم‌آهنگی لفظی نیست بلکه نظم معنایی خاصی را نیز در لابلای بندها و آهنگ‌ها به وجود می‌آورند.» (بنت الشاطی، ۱۹۶۸: ۲۳۹) این صنعت بدیعی که از بسامد بالایی در سوره محمد برخوردار است، ریتم آشکاری دارد و عنصری مهم در نفوذ آیات به قلب‌ها و عقل‌هاست. هماهنگی طول این فاصله‌ها و فقرات در سراسر این سوره باعث شده که گوش، آوای بیشتری را احساس کند. این فاصله‌ها و نحوه توزیع آنها در سطح سوره به قرار زیر است:

۱- فاصله اول: تکرار واژه «أَعْمَالُهُمْ» در آیات: ۱، ۴، ۸، ۹، ۲۸، و ۳۲.

۲- فاصله دوم: تکرار واژه «أَعْمَالِكُمْ» در آیات: ۳۰، ۳۳، و ۳۵.

۳- فاصله سوم: تکرار واژه «بِأَلَهُمْ» در آیات: ۵ و ۲.

۴- فاصله چهارم: تکرار واژه «أَمْثَال» در آیات: ۳، ۱۰، و ۳۸ که به ضمیر «هم»، «ها»، و «کم» متصل شده است.

۵- فاصله پنجم: تکرار واژه «لَهُمْ» در آیات: ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۰، ۲۱، ۲۵ و ۳۴.

۶- فاصله ششم: تکرار واژه «أَهْوَاءَهُمْ» در آیات: ۱۴ و ۱۶.

کلمات فاصله در این آیات طوری با ظرافت انتخاب شده که بین لفظ و مفهوم القایی، تناسب و هماهنگی دیده می‌شود. یکسانی مقاطع فاصله‌ها، در اعتدال سیاق سوره و تأثیرگذاری آن بر مخاطب، مؤثر بوده و نقش تعیین‌کننده در بلاغت این سوره دارد طوری که هم معنای مورد نظر آیات افاده شده و هم نظام صوتی و زیبایی لغوی آنها تأمین شده است.

نگاهی به مقاطع آیات این سوره نشان می‌دهد که به استثنای آیه ۱۰ و ۲۴ که به حرف الف ختم می‌شوند، بقیه ۳۶ آیه دیگر آن به حرف میم ختم می‌شوند و تنها سوره‌ای است که درصد فاصله میم در آن بسیار بالاست. مسأله جهاد و جنگ با دشمنان اسلام اصلی‌ترین موضوعی است که بر این سوره سایه افکنده مهم‌ترین دلیل وجود فاصله میم در این سوره، بویژه در آیه اول، همان فرمان جنگ است. این امر با دقت در ماهیت کیفی تلفظ این حرف روشن می‌گردد. «در تلفظ حرف میم، هوای خارج شده از شش‌ها از حنجره عبور می‌کند و تارهای صوتی را به ارتعاش درمی‌آورد. وقتی هوا به طرف دهان حرکت می‌کند، انتهای نرم‌کام پایین می‌آید و راه عبور هوا را از دهان می‌بندد. درمقابل، راه عبور هوا از فضای بینی (خیشوم) باز می‌شود و با عبور هوا از خیشوم، نوعی سایش که همان صدای غنه است ایجاد می‌شود. در این حال، لبها به طور کامل روی هم منطبق می‌شود.» (ستوده‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۵۰) در اینجا بسته شدن کامل لب‌ها و سپس باز شدن آن‌ها نوعی شدت، فشردگی، قدرت و سیطره را القا می‌کند که گویا همزاد مفهوم جنگ است و تصاویر غضب، خشم و تهدید کافران را تداعی می‌کند. موسیقی حروف، بخش عظیمی از موسیقی آیات را به دوش می‌کشند و خداوند در نهایت هنرمندی، تناسب و هم‌نوایی موسیقی و موضوع را برقرار نموده است. در اینجا زمینه معنایی، انذار، هشدار و ایجاد بیم و هراس است که لازمه آن موسیقی کوبنده و تهاجمی است. حرف میم که از حروف مجهور انفجاری، سایشی و خیشومی است، کاربرد آن با بسامد بالا، بیانگر تناسب آوایی با شدت تهدید است. از سوی دیگر، با توجه به «دلالت معنایی میم بر حتمیت، به خاطر قرار گرفتن کامل لب‌ها بر یکدیگر در هنگام ادای آن» (بشر، ۲۰۰۰: ۱۲۰) می‌توان مفهوم قطعیت فرمان جهاد با کافران در دفاع از دین خدا را از صوت میم استنباط نمود. این دریافت‌نگامی خود را بیشتر نشان می‌دهد که بدانیم در هنگام تلفظ این حرف که از حروف امتداد است صدا استمرار دارد.

۳-۳. سجع در سوره محمد

سجع، یکی دیگر از عناصر مطرح و کلیدی در تحلیل ساختار آوایی متن است. قرآن نیز به عنوان یک متن ادبی فرابشری برای آفرینش معانی مورد نظر خود، واژگان را در چنین قالبی جای داده تا معانی با دلنشینی ناشی از موسیقی سجع، بهتر در روح و جان مخاطب نفوذ کند. (سید قطب، ۱۳۵۹: ۱۰۶) این عنصر بدیعی که نقش مهمی در یکپارچگی متن، خلق آوا و نگارگری معنا بازی می‌کند، در سوره محمد نمود آشکاری دارد. انواع سجع را می‌توان در این سوره مشاهده نمود البته سجع

متوازی (اشتراک در وزن و حرف روی) از بسامد بسیار بالایی برخوردار است و جز چند مورد بقیه سجع‌های به کار رفته از نوع سجع متوازی است. در ادامه به نمونه‌هایی از هر یک و نقش آنها در وضوح و تثبیت معنی اشاره می‌شود:

سجع متوازی در آیات ۱۷-۱۹: (وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ * فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَهُمْ ذِكْرَاهُمْ * فَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَعْفِرُوا لِدُنْبِكُمْ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمُنْوَكَكُمْ) همچنین در آیات ۳۸-۳۵: (فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَكُنْ يَسِّرْكُمْ أَعْمَالَكُمْ * إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ * إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُخْرِجْكُمْ تَبَخَّلُوا وَبُخْرَجْ أَعْصَانَكُمْ * هَاتِنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِنَفْسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ).

در آیات ۲۲-۲۳ نیز هماهنگی میان واژه‌های (أَرْحَمَكُمْ و أَبْصَارَهُمْ) و در آیات ۲۷-۳۳ میان (أَدْبَارَهُمْ، أَعْمَالَهُمْ، أَصْغَانَهُمْ، أَعْمَالَكُمْ، أَخْبَارَكُمْ، أَعْمَالَهُمْ، و أَعْمَالَكُمْ) در وزن و حرف روی موجب ارتباط آوایی و انسجام این آیات شده است.

دقت در نمونه‌های بالا، نشان می‌دهد که سجع متوازی گاهی بین تعداد فقرات کمتری ایجاد ارتباط نموده و در برخی مقاطع ارتباط آوایی میان تعداد فقرات بیشتری ایجاد شده است، مثلاً در آیات ۲۷-۳۳ کلمات مسجوع، زنجیره هماهنگی ایجاد کرده‌اند که موجب ایجاد ارتباط آوایی بین جملات مستقل شده و از آنجا که هر چه طول زنجیره سجع بیشتر باشد، حجم بیشتری از متن را منسجم می‌کند، لذا در این مقاطع از متن، جملاتی متعدد با محتوایی متفاوت به سبب هم‌آوایی و هماهنگی ساختاری، به شکل یکپارچه و به هم تنیده جلوه‌گری می‌کنند.

سجع مرصع در آیه ۳: (ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ). در این آیه بیشتر الفاظ دو فقره دو به دو با هم هم‌وزن و قافیه‌اند.

سجع مطرف در آیات ۵-۶: (سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ * وَيَذِخِرُ لَهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ) که فاصله‌ها در حرف روی هماهنگ و در وزن مختلفند.

سجع متوازن در آیات ۲۳-۲۴: (أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ * أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا): فاصله‌ها فقط هم‌وزنند.

از آنجا که سجع متوازن و سپس سجع مطرف از دیدگاه موسیقی ضعیف‌ترین نوع سجع است، لذا در این سوره می‌بینیم که جز در چند مورد به کار نرفته است (طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۸۸) به دلیل اشتراک و

هماهنگی کمتری که ایجاد می‌کنند. در مقاطع محدودی نیز که این دو نوع سجع به کار رفته، ضعف آنها در ایجاد انسجام میان آیات از طریق سجع‌های متوازی که بین این مقاطع با آیات قبل یا بعد خود تشکیل شده، برطرف گشته و پیوند میان آنها مستحکم‌تر، و انسجام آوایی آنها محسوس‌تر شده است. با دقت در حروفی که کلمات مسجوع این سوره از آنها تشکیل شده‌اند، معلوم می‌شود که حرف میم، الف مدّ، همزه، لام، و کاف بیشترین بسامد را دارند؛ کثرت تکرار حرف میم بویژه سکون آن که بر شدت و قوت معنا می‌افزاید، بیانگر استیلائی کامل و قطعیت نابودی کافران است. حرف مدّ الف تقریباً در ترکیب تمامی این کلمات به کار رفته است. ویژگی امتداد و کشیدگی صوت در این حرف، به استمرار وعده‌های الهی در مورد کافران و منافقان اشاره دارد. «همزه دارای صفت نبره است و بر عینیت، وضوح و حضور دلالت دارد.» (عباس، ۱۹۹۸: ۹۵) حرف مجهور و انحرافی لام (ستوده‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۸) حکایت از منحرف شدن کافران از مسیر حق دارد و نشان می‌دهد که به خاطر امتناع از پیروی حق، آنان راه به جایی نخواهند برد. صوت سنگین و انفجاری کاف درشت و غلیظ تلفظ می‌شود و به خاطر خشونت و قوتی که در صدای آن وجود دارد، با معنای تهدید و توییح کافران تناسب دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود دلالت‌های معنایی این حروف با فضای حاکم بر سوره و موضوع آن هم‌خوانی دارد.

۳-۴. التزام در سوره محمد

التزام یا «لزوم ما لا یلزم» یکی دیگر از عوامل آوایی است که در هم‌آهنگی، هم‌آوایی، و ایجاد مناسبات معنایی میان آیات سوره نقش ارزنده‌ای ایفا می‌کند. این صنعت بدیعی به این معناست که گوینده در متن خود، غیر از حرف فاصله یک یا دو حرف ماقبل آن را نیز در تمام متن یا در برخی فقرات آن رعایت نماید. (خطیب قزوینی، ۱۹۹۷: ۱۰۸) هدف از این صنعت، بیشتر از زیباسازی کلام، انسجام حاصل از آهنگین شدن کلام و فراهم نمودن زمینه برای فهم بهتر معنی است.

التزام می‌تواند در سطوح مختلف حرف، کلمه، جمله، و یا مقطع انجام گیرد. (الحسنای، ۱۴۲۱: ۲۷۶) به طور مثال التزام در تکرار دو حرف قبل از روی در آیات ۱۸-۱۷: (وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ * فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَهُمْ ذِكْرَاهُمْ)، یا التزام و رعایت سه حرف قبل از روی در آیات ۱۵-۱۴ که به کلمات: (أَهْوَاءَهُمْ وَ أَمْعَاءَهُمْ) ختم می‌شوند، یا رعایت یک کلمه در آخر آیات مانند آیه ۹ و ۸: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَصْلُ أَعْمَالِهِمْ * ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ).

۳-۵. تکرار در سوره محمد

تکرار، در حقیقت اصرار بر جنبه مهمی از سخن است که با آن نقطه حساس سخن برجستگی و بروز ویژه‌ای می‌یابد. این صنعت بدیعی دارای ظرفیت‌های معنایی و موسیقایی بسیاری است. تکرار، در قالب تکرار حروف، کلمه، یا جمله همواره نزد ادبا از عوامل تأمین کننده هارمونی موسیقایی کلام و گاهی نیز از عوامل تأمین معانی خاصی از جمله است که بر خلاف تکرار روزمرگی-ها که ممکن است ملال‌آور نیز باشد، خود تبدیل به یکی از اهرم‌های بلاغت می-شود. (عبدالرحمن، ۲۰۰۶: ۶) در سوره محمد تکرار با دو کارکرد لفظی و معنوی در شکل‌های مختلفش تبلور یافته است.

در آیه ۷: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) هم‌نشینی سه حرف صاد، راء، و نون علاوه بر تأثیر موسیقایی، به خاطر دلالت معنایی صوت نون، با مضمون آیه هماهنگی دارد طوری که سکون و آرامشی که از تلفظ نون به مخاطب القا می‌شود، تداعی کننده وعده نصرت الهی به مؤمنان و مجاهدان حق است. البته صوت صغیری صاد به خاطر خاصیت قوت و وضوح شنیداری که دارد، با تکرار خود باعث جلب توجه خواننده و تأکید و تقویت بیشتر معنای آیه می‌شود.

حرف هاء، از آنجایی که دارای صفت همس، رخوت، انفتاح، و استفال است در میان حروف دلالت بر معنای انعطاف و نرمی دارد؛ تکرار این حرف در آیه ۱۷: (وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ) با تأثیر بر لحن کلام، القاگر نرمی و ملایمت خداوند نسبت به مؤمنان است و نشان می‌دهد که مؤمنان در صورتی که با گام نهادن در مسیر حق هدایت الهی را بپذیرند، خدا نیز لطف خود را شامل آنان نموده و زمینه توفیق و استواری آنها در این راه را فراهم می‌نماید.

صوت مَدَّ الف موقع شنیدن بهتر به گوش می‌رسد و تأثیر بیشتری بر روان مخاطب می‌گذارد. در این آیه بیزاری از کفر و تمسک به توحید با تکرار این حرف، و شدت پیروی از حق به وسیله تکرار حرف کوبشی و جهردار «دال» بیان شده است.

در آیه ۳۵: (فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَكُنْ يَتَّبِعُكُمْ أَعْمَالُكُمْ) موسیقی حاصل از تکرار صوت میم، بیانگر حتمیت اطاعت از فرامین خداوند و حضور مقتدرانه در میدان جنگ با کافران است، همچنین معیت خاص خدا با مؤمنان و به تعبیری دقیق‌تر، عزت، نصرت و هدایت ویژه الهی نسبت به مجاهدان راه او که به پاس این اطاعت شامل حالشان می‌شود را ترسیم می‌کند. کاربرد مکرر حروف مجهوره میم، نون، لام، عین، همزه، و تاء مهموسه که آن هم «هنگام

همنشینی با صوتی مجهره حالت جهر می‌یابد» (بلقاسم، ۲۰۰۹: ۲۲) و دلالت آنها بر آشکاری، به معنا و وضوح بیشتری بخشیده و با تنوع موسیقایی و تشکیل زنجیره‌ای آوایی بر تأثیر آیه و تثبیت آن در ذهن مخاطب افزوده است.

تکرار واژگان از جنبه معنایی اهدافی را دنبال می‌کند که بیان اشتیاق، توجع، تقریر، تأکید معنا، و تهدید در شمار کارکردهای آن قرار دارد. (بدوی، ۱۹۹۶: ۴۶۷) با تکرار واژگان پژواکی در ذهن ایجاد می‌شود که باعث القا و تداعی مفاهیم گشته و موسیقی‌ای تولید می‌کند که بر جان مخاطب تأثیر می‌گذارد. در سوره محمد این واژگانمکرر با دلالت صوتی و معنایی همراهند که در زیر به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ (۳۳) تکرار فعل «أطيعوا» ضمن آهنگین ساختن کلام، بر اهمیت اطاعت از خدا و رسول او تأکید دارد. گویا هدف قرآن از تکرار دوباره فعل این بوده که توجه مخاطب را جلب نماید و به او بفهماند که شرط ایمان در وهله نخست اطاعت از دستورات ثابت الهی و در مرتبه دوم اجرای فرامین متغیری است که به مقتضای ضرورت‌ها و نیازها از طرف حاکم اسلامی صادر می‌شود. البته می‌توان در تفکیک فعل و ذکر مجدد آن، به نوعی تعظیم و تکریم مرتب حق تعالی را در نظر گرفت.

هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِنُفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنْ نَفْسِهِ (۳۸) تکرار فعل «یبخل» اشاره به محوریت موضوع بخل دارد و اهمیت انفاق را برای رسیدن به عزت و قرب الهی بیان می‌کند. با توجه به سیاق آیه غرض از تکرار، یا توبیخ کسانی است که در جهاد با کفر از انفاق جان و مال خود مضایقه می‌کنند یا آنکه قصد دارد آنان که روحیه انفاق ندارند را از اشتباه بودن عملکردشان آگاه نماید. ضرباهنگ برآمده از تکرار مجموعه آواها در واژه «یبخل» به شکل‌گیری معنا در ذهن مخاطب و تفهیم مفاد آیه کمک می‌کند.

علاوه بر تکرار برخی کلمات در این سوره، بعضی عبارات نیز برای دلالت بر معنای خاصی تکرار شده که ضمن آنکه انفعالات مخاطب را بر می‌انگیزاند، آهنگی را در عبارت ایجاد و ساختار موسیقی متن را محکم می‌کند و باعث توازن در کلام می‌شود، مانند عبارت «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» که سه بار در آیات ۱، ۳۲، و ۳۴ تکرار شده است. از آنجا که موضوع سوره، حول محور جهاد و قتال با کفار می‌چرخد و به دنبال اعراض و کارشکنی‌های آنان بر پیامبر (ص) نازل گشته است، بنابراین می‌توان ذکر عبارت «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» را در آغاز سوره و تکرار

دوباره آن را در آیات پایانی سوره، به منظور برانگیختن خشم مؤمنان و ترغیب آنان به جهاد با کسانى دانست که از دین خدا اعراض نمودند و با رسول او دشمنی ورزیدند.

تکرار عبارت «الذین آمنوا» در آیات ۲، ۳، ۷، ۱۱، ۱۲، ۲۰، و ۳۳ و تکرار ترکیب «الذین كفروا» در آیات ۱، ۳، ۴، ۸، ۱۲، ۳۲، و ۳۴ نمونه‌های دیگری از تکرار عبارات در این سوره هستند. چنین تکراریدر گستره وسیعی از سورهنشان می‌دهد که خطاب اصلی سوره متوجه مؤمنان و کافران است. البته خطاب به مؤمنان و کافران در قالب‌های دیگری نیز به صورت غیر مکرر به کار رفته ولی در هر صورت، این تکرارها در ایقاع و تثبیت معنی آیات تأثیر بسزایی دارد.

۳-۶. جناس در سوره محمد

عامل آوایی جناس، ارتباط محکمی با موسیقی متن دارد؛ زیرا با برانگیختن موسیقی و جرس صوتی واژه‌ها در نتیجه تکرار حروف، آهنگ و نغمه زیبایی به کلام می‌بخشد. (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۸: ۳۹) جناس با تکرار دو واژه که دارای تشابه کلی یا جزئی با یکدیگرند، از طریق هم‌آوایی و تجانس آنها در تألیف حروفشان یا اشتقاق یا معنی، به کلام تناسب موسیقی می‌بخشد و فضیلت آن زمانی است که معنا را نیز یاری نماید. (جمعه، ۲۰۰۸: ۵۹) این نوع صنعت ادبی که حاصل تکرار آوایی کامل یا ناقص است، برای حفظ پیوستگی و ارتباط معنایی آیات آمده است.

هم‌شکلی واژگان در سوره محمد و ضرباهنگ‌های پدید آمده از جناس کلمات مایه لطافت شنیداری آیات سوره گشته و واژگان را جهت القای مقصود مورد نظر برجسته می‌کند. ضمن آنکه نقش مهمی در ایجاد ارتباط میان جملات به عهده دارد و باعث می‌شود که معنای جملات راحت‌تر در ذهن مخاطب جا بگیرد.

در این سوره به ندرت از جناس تام استفاده شده و بیشتر جناس‌های به کار رفته از نوع جناس ناقص است: مانند جناس ناقص بین کلمات «أَعْمَالُهُمْ» و «بِأَلْهَم» در آیه ۵ و ۴: (وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ * سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ)، یا در آیات ۶ و ۵ بین کلمات «بِأَلْهَم» و «لَهُمْ»: (سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ * وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ). تشابه جزئی و دو به دو این واژگان موجب برجستگی آنها در متن و ارتباط معنایی و ساختاری میان آیات مربوطه شده است.

جناس تام مانند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ (۳۳) در این آیه با توجه به معنای متفاوتی که مفسران بنا بر سیاق برای واژه «أطيعوا» قائل شده‌اند، می‌توان گفت که میان آنها جناس تام به کار رفته است. «مراد از «أطيعوا» اولی، اطاعت از خدا در احکامی است که در

قرآن نازل کرده، و در اینجا به حسب مورد احکام مربوط به قتال مورد نظر است، و مقصود از «أطیعوا» دومی اطاعت از رسول است در همه دستورات ثابتی که از ناحیه خدا نازل شده، همچنین در دستورات متغیری که خود حضرت به عنوان ولی مسلمین و زمامدار جامعه دینی به مقتضای ضرورت‌ها و نیازها صادر فرموده است.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۳۷۲) هم‌جنسی کامل دو واژه «أطیعوا» و برقراری جناس میان آنها، توجه مخاطب را به حقیقت آنها جلب می‌کند تا ذهن به کمک قراین موجود در آیه موفق به ترسیم و درک معنی آنها شود.

۳-۷. طباق و تقابل در سوره محمد

کاربرد تقابلی واژگان و عبارات در متن، از دیگر مباحث قابل بررسی در نقد ساختاری در سطح آوایی و معنایی است. در این تقابلهای که از تجمیع دو لفظ یا عبارت با دو معنای متضاد در کلام حاصل می‌شود موسیقی برخاسته، از طریق شنیدن قابل درک نیست بلکه بر فکر و وجدان آدمی تأثیر می‌گذارد و سپس اثر آن بر حواس ظاهر می‌شود. بنابراین زیبایی طباق را باید به تکاپویی مربوط دانست که ذهن برای برقراری ارتباط بین کلمات متضاد و مفاهیم آنها انجام می‌دهد و نوعی تکرار معنوی به وجود می‌آید که در موسیقی معنوی مؤثر واقع می‌شود. این عنصر زبانی علاوه بر زیبایی‌آفرینی می‌تواند معنادار هم باشد.

طباق در سوره مبارکه محمد (ص) ضمن آنکه ارتباط میان کلمات و ترکیب‌های متقابل را بیان می‌کند، بر اهمیت آنها در رساندن معنی نیز تأکید می‌کند مانند طباقی که بین کلمات (آمنوا و کفروا) و (النار و الجنات) در آیه ۱۲ دیده می‌شود: «إِنَّ اللَّهَ يَدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ»، یا طباق بین (الغنی) و (الفقراء) در آیه ۳۸: «...وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»، و یا تقابل (صالحات) با (سینات) در آیه ۲: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ». پیوند مفهومی میان این واژه‌های متضاد در تبیین مفهوم آیه، روشنگری و ملموس ساختن معنا تأثیر بسزایی دارد و به لحاظ تناسب آوایی و لفظی نیز این واژگان با فضای کلی و سیاق آیات سوره هم‌خوانی دارند. به عنوان مثال واژه «آمنوا» و «جنات» در عین تقابل معنایی با کلمات «کفروا» و «النار» یکدستی دقیقی با سیاق آیه و ترسیم عاقبت کافران و مؤمنان مجاهد راه حق دارند و با فضای کلی سوره و ترغیب به جهاد با کافران و منافقان نیز مرتبطند.

علاوه بر تقابل‌های واژگانی، در این سوره فضایی از تقابل میان دو گروه در جبهه حق و باطل نمایان است که نمود آن را در قالب ترکیب‌های تقابلی در آیات مختلف سوره می‌بینیم. خداوند با ایجاد تقابل‌هایی زیبا از اوصاف و احوال مؤمنان و کافران، نوعی تضاد را برای مخاطب ترسیم نموده که علاوه بر زیبا کردن عبارات بر موسیقی و قدرت القای معنای مورد نظر می‌افزاید، مانند مقابله میان (الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ) و (الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ) در آیه ۳. در اینجا تضاد به منظور انجام مقایسه بین دو گروه به کار رفته تا در مخاطب گرایش به یکی را ایجاد و نفرت از دیگری را حاصل نماید. به تعبیری تقابل ایجاد شده مبتنی بر نهی از پیروی باطل و تشویق به اطاعت از حق و احکام الهی است و به طور خاص مطابق با سیاق سوره، پیروی از حکم جهاد با کافران و اهل باطل مورد نظر است.

۳-۸. مراعات نظیر یا تناسب در سوره محمد

در نظام آوایی سوره محمد (ص) بخشی از تناسب ساختار با معنا مرهون وحدتی است که از تقارن و تناسب اجزای آیات آن پدید آمده است؛ چراکه اجزای مترابط، مسیر دریافت پیام را بسیار آسان می‌کنند. این عنصر زبانی به معنای با هم آوردن واژه‌هایی است که در یک موضوع با یکدیگر اشتراک دارند و به نوعی در یک مجموعه قرار گرفته و با تناسب خود موسیقی پنهانی ایجاد و زمینه توجه مخاطب را فراهم می‌کنند. پس موسیقی حاصل از این صنعت، زیبایی خود را از پیوندهای نهفته‌ای می‌گیرد که زنجیره‌ای از واژگان را به یکدیگر مرتبط می‌سازد.

در آیه ۱۲ سوره محمد: (إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ) این صنعت از سویی بین کلمات (آمنوا، الصالحات، جنات، و أنهار) برقرار است و وجود رابطه لازم و ملزومی یا سبب و مسببی میان این مجموعه واژگان، باعث برقراری تناسب و پیوند میان آنها شده است؛ زیرا داشتن ایمان و عمل صالح از لوازم رفتن به بهشت و برخوردار شدن از نعمت‌های بهشتی به شمار می‌آید. از سوی دیگر دو کلمه (کفروا) و (النار) نیز با توجه به اینکه یکی ماحصل دیگری است و رابطه سبب و مسببی بینشان برقرار است، با یکدیگر تناسب دارند. این امر در آهنگین کردن آیه و دلالت بر معنای آن مؤثر است و عاقبت مجاهدان راه حق و کافران و صدق وعده‌های الهی در مورد آنان را ترسیم می‌کند و از این جهت با موضوع محوری سوره نیز که ترغیب به جهاد با دشمنان اسلام است، همسویی دارد.

نمونه دیگر تناسب را در آیه ۱۵ از سویی میان کلمات (الجنة، المتقون، أنهار، ماء غیر آسن، لبن، خمر، عسل مصفی) می‌بینیم که همه در رابطه با بهشت و بهشتیان و نعمت‌های بهشتی است، و از سوی

دیگر بین واژگان (النار، ماء حمیم، و قطع أمعاء) که مرتبط به دوزخ و عذاب‌های آنست. وجوه دیگر تناسب در این سوره، تناسب و پیوند معنایی آغاز و پایان سوره است که در آغاز سوره به جنگ با مشرکان فرا خوانده و متناسب با آن، در آیات پایانی سوره (۳۸-۳۳) از دعوت مؤمنان به اطاعت از خدا و رسول و احکام الهی، و بیان عاقبت کافران سخن گفته است.

نتیجه

- ۱- ساختار آوایی سوره محمد(ص) و کارکرد آن در القای معانی از طریق بررسی نقش عوامل آوایی به کار رفته در آیات سوره قابل رمزگشایی است.
- ۲- لحن آیات و ریتم به کار رفته در این سوره، سهم بسیاری در تثبیت مضمون آن و رساندن پیام متن دارد. این لحن همسو با محتوای سوره در بیشتر موارد کوبنده و تند است؛ تهدید کافران و منافقان و عتاب به افراد سست ایمان، در عناصری چون همخوان‌های انفجاری و سنگین، حروف مفتحه، اصوات جهری، تشدید و غنه خود را نشان می‌دهد. ریتم نرم هنگام برشمردن نعمت‌های بهشتی و ستایش و توصیف پاداش مؤمنان جهت تحریک همت آنان و تشویق به جهاد، و لحن کند و منقطع با ایجاد مکث در کلام و افزودن بر تأثیر آن در گوشه و کنایه به منافقان به خوبی نقش‌آفرینی می‌کند.
- ۳- به کمک کارکرد صوتی و معنایی صنایع بدیعی در این سوره، علاوه بر اینکه معنای مورد نظر آیات افاده شده، نظام صوتی و زیبایی لغوی آنها نیز تأمین گشته و آیات سوره از منظر تحلیل عناصر بدیعی در جای مناسب خود به کار رفته‌اند و در شکل‌گیری فضای غالب بر سوره تأثیرگذارند.
- ۴- عوامل آوایی از جمله سجع، فاصله، التزام، جناس، تناسب، و تقابل نقش مهمی در خلق آوا و تقریب معنا به ذهن و هم‌آوایی میان آیات سوره ایفا می‌کند. عنصر تکرار نیز در قالب‌های مختلف با دلالت صوتی و معنایی همراه است و از عوامل تأمین‌کننده هارمونی موسیقایی و معنایی سوره می‌باشد. در این میان فاصله، سجع و تکرار به عنوان پر اهمیت‌ترین عناصر آوایی موجد مناسب لفظی و معنایی سوره مطرحند و کاربرد حرف میم به عنوان حرف هم‌آوا در فواصل آیات با موضوع محوری سوره و مسأله جهاد کاملاً تناسب دارد. در مجموع ساختار ظاهری آیات در سوره محمد با مضمون کلی آن همسوست.

۵- توازن موسیقایی و ضرباهنگ حاصل از عناصر آوایی، زیبایی دلنشینی به آیات سوره بخشیده و تأثیری عمیق بر خواننده می‌گذارد. با توجه به آنکه نشانه‌های آوایی یکی از مؤثرترین عناصر انتقال

مفاهیم و تأثیرگذاری بر مخاطب در کلام خداوند است، این عوامل در نظام معنایی سوره محمد قرینه- ای در جهت کشف مدلول واقع شده و در ترسیم کیفر کافران و منافقان نقش مهمی دارد.

۶- دقت در موضوعاتی از قبیل هماهنگی میان موضوع مورد بیان و لحن به کار رفته در آیات سوره، گزینش صحیح واژگان و نحوه چینش آنها، توجه به ایقاع و موسیقی حروف و دیگر عوامل آوایی، همگی دلالت بر این حقیقت دارد که سوره محمد در دست یازیدن به موسیقی ای می‌کوشد که در برجسته‌سازی معنی و تثبیت پیام و مضمون سوره، نقش قابل توجهی را بر عهده دارد.

منابع

کتاب‌های فارسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۳)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، تهران: المکتبه المرتضویه.
- ۳- رجبی، محمود، (۱۳۸۳)، روش تفسیر قرآن، چاپ اول، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۴- ستوده‌نیا، محمد رضا، (۱۳۷۸)، بررسی تطبیقی میان تجوید و آواشناسی، تهران: رایزن.
- ۵- سید قطب، محمد، (۱۳۵۹)، آفرینش هنری در قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: بنیاد قرآن.
- ۶- طاهرخانی، جواد، (۱۳۸۳)، بلاغت و فواصل قرآنی، چاپ اول، بی‌جا: جهاد دانشگاهی.
- ۷- طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی.
- ۸- نجفی، ابوالحسن، (۱۳۷۸)، مبانی زبان‌شناسی، چاپ ۱۰، تهران: نیلوفر.
- ۹- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۷۸)، در قلمرو زبان و ادبیات فارسی، چاپ دوم، مشهد: انتشارات محقق.

کتاب‌های عربی

- ۱۰- ابن عاشور، محمد الطاهر، (۱۹۸۴)، تفسیر التحرير والتنویر، ج ۲۶، تونس: الدار التونسیه للنشر.
- ۱۱- أنیس، ابراهیم، (بی‌تا)، الأصوات اللغویة، مصر: مکتبه نهضة.
- ۱۲- بدوی، احمد، (۱۹۹۶)، أسس النقد الادبی عند العرب، القاهرة: دار نهضة.
- ۱۳- بشر، کمال، (۲۰۰۰)، علم الأصوات، القاهرة: دارغریب.
- ۱۴- بلقاسم، دفة، (۲۰۰۹)، نماذج من الاعجاز الصوتی فی القرآن الکریم، سبکرةالجزایر: جامعه محمد خیضر.
- ۱۵- بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمن، (۱۹۶۸)، الاعجاز البیانی للقرآن الکریم، مصر: دار المعارف.

- ۱۶- البهنساوی، حسام، (۲۰۰۴)، علم الأصوات، ط ۱، القاهرة: مكتبة الثقافة الدينية.
- ۱۷- التحريشي، محمد، (۲۰۰۰)، أدوات النص، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- ۱۸- جمعه، عدنان عبدالكريم، (۲۰۰۸)، اللغة في الدرس البلاغي، ط ۱، لندن: دارالسياب.
- ۱۹- الحسنواي، محمد، (۱۴۲۱)، الفاصلة في القرآن، عمان: دارعمار.
- ۲۰- حسيني شاه عبدالعظيمي، حسين بن احمد، (۱۳۶۳)، تفسير اثني عشرى، ج ۱۲، تهران: ميقات.
- ۲۱- خطيب قزويني، محمد بن عبد الرحمن، (۱۹۹۷)، التلخيص في علوم البلاغة، به كوشش دكتور عبدالحميد هندواي، قاهره: دارالكتب العلمية.
- ۲۲- داود، سليمان امانى، (۲۰۰۲)، الاسلوبية والصوفية، الطبعة الاولى، عمان - اردن: وزارة الثقافة.
- ۲۳- الرافي، مصطفى صادق، (۱۹۹۷)، إعجاز القرآن والبلاغة والنبوية، القاهرة: دارالمنار.
- ۲۴- الرماني، علي بن عيسى، (۱۹۶۸)، النكت في اعجاز القرآن، ط ۳، مصر: دارالمعارف.
- ۲۵- السامرائي، فاضل صالح، (۲۰۰۰)، معاني النحو، الجزء الرابع، الطبعة الاولى، عمان - الاردن: دار الفكر.
- ۲۶- عباس، حسن، (۱۹۹۸)، خصائص الحروف العربية ومعانيها، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- ۲۷- عبدالرحمن، مروان محمد سعيد، (۲۰۰۶)، دراسة أسلوبية في سورة كهف، فلسطين - نابلس: جامعة نجاح الوطنية، كلية الدراسة العليا.
- ۲۸- مطر، عبد العزيز، (۱۹۹۸)، علم اللغة وفقه اللغة، الدوحة: دار قطر بن الفجاءة.
- ۲۹- ناجي، مجيد عبدالحميد، (۱۹۸۴)، الأسس النفسية لأساليب البلاغة العربية، ط ۱، بی جا: مؤسسات الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع.